

نامه به یک نویسنده ی تازه به دوران رسیده

نادژدا کروپسکایا

۳ ژوئیه ۱۹۳۶

رفیق عزیز!

به نظر من اینگونه می‌آید که شما مسیر درستی را طی نمی‌کنید. اگر که شما خواهان آن هستید که یک شاعر یا نویسنده ی واقعی، که او را توده‌ها دوست دارند و از او قدردانی می‌کنند، شوید، شما باید که فعالیت بسیاری در قبال [آموزش] خود انجام دهید. در این امر هیچ دانشگاهی، هیچ کانون نویسندگانی، به شما کمک نخواهد کرد.

از [محتوای] نامه ی شما من نمی‌توانم ببینم که چه چیزی دل شما را می‌رنجاند، چه چیزی – به غیر از جایگاه ادبی خودتان – شما را آشفته می‌کند. فردی که به زندگی پیرامون خود با دید بی تفاوتی نگاه کند، به اصطلاح «از پشت پنجره ی کالسکه نویسنده»، هیچگاه یک نویسنده ی واقعی نمی‌شود. شما در «مؤسسه صنایع معادن» بوده‌اید، ولی آیا شما هیچ ایده‌ای در مورد زندگی ی معدنچیان و وضعیت ذهنی آنان دارید؟ آنان یکی از بخش‌های پیشتاز پرولتاریا می‌باشند، و شما به آنان علاقه‌مند نیستید ... امیدوارم که این [برخورد صرفاً] تا کنون [اینچنین باشد] ...

به اعتقاد من، شما مهندس نخواهید شد؛ آن نیاز به بافت متفاوتی و آموزش متفاوتی دارد.

من به شما توصیه می‌کنم که بروید در معدنی کار کنید، از معلوماتی که کسب کرده‌اید، استفاده کنید، در کنار کارگران معمولی کار کنید، و به شکل زندگی ی آنان و شرایط سکونت آنان توجه کنید. سپس تم‌های اشعار شما واقعاً زنده خواهند شد و آنچه که شما را به تحرک وا می‌دارد، بوجود خواهد آمد.

در بسیاری اوقات خود پسندی مغرورانه زیادی در بین نویسندگان تازه به دوران رسیده – و حتی بیشتر در بین کارگزاران – مشاهده می‌شود، اما [این انحراف] باید کاملاً پاکسازی شود.

درودهای رفیقانه،

ن. کروپسکایا.

این ترجمه را به برخی از شاعران و نویسندگانی که منافع طبقه ی کارگر را بالاتر از «شهرت» خود به حساب می‌آورند، و بدون چشم داشت به پرولتاریا خدمت می‌کنند، تقدیم می‌کنم.

مراد شیرین، اسفند ۱۳۸۳.